

ویژگی‌های حکومت آخر الزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج البلاغه

محمد هادی امین ناجی^۱

دانشیار گروه علوم قرآن، حدیث و نهج البلاغه دانشگاه پیام نور

مصطفی دلشاد تهرانی^۲

استادیار گروه نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران

احمد محتشمی^۳

دانشجوی دکتری نهج البلاغه دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب (نویسنده مسئول)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

۱۴۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام نگاه واقع‌بینانه به آینده انسان‌ها، بعنوان دغدغه‌آمیزترین مسئله بشری است. نگرش جامع و کامل اسلام به آینده پژوهی را در توانایی تصور از آینده به طریق مطالعه، تحقیق یا تصویرپردازی با بهرمندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی، یا کشف و شهود غیرمادی، در همه زمینه‌ها و از جمله ویژگی‌های حکومت آخر الزمان می‌توان دید. ما در این مقاله در پی استنباط ویژگی‌های مدینه فاضله حضرت حجت (عج) هستیم. بنابر این بررسی مسائل بنیادین شرایط و ویژگی‌های حکمرانی آینده جهان و نقش انقلاب اسلامی ایران بعنوان مقدمه ظهور منجی عالم بشریت از مهم‌ترین موضوعاتی است که با تکیه بر نهج البلاغه بررسی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، حکمرانی، آینده، حاکمان.

1. mh_aminnaji@pnu.ac.ir

2. delshadtehrani@gmail.com

3. loopmatlab@gmail.com

مقدمه

در بسیاری از آیات قرآن، جوامع روایی و نهج البلاغه بشارت حکومت آخر الزمان و ویژگی‌های آن به‌عنوان آینده مُرَجَّح (تعریف شده در آینده‌پژوهی) که مطلوب بشریت می‌باشد، اشارات فراوانی شده است که تبیین‌کننده اتفاقات، رویدادها و ویژگی‌های آن دوران می‌باشد. از طرفی یکی از ارکان تشکیل‌دهنده آینده‌پژوهی تصویرها هستند که بیان‌کننده ذهنیت مشترک افراد جامعه نسبت به یک موضوع خاصی است. در این راستا می‌توان با برشمردن ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر آن جامعه، تصویر واضحی ترسیم نمود. البته برای رسیدن به آن مقصود باید زمینه ایجاد آنرا در اولین قدم با شکل دادن گفتمان اسلام سیاسی که زمینه آن در انقلاب اسلامی ایران بوجود آمده است، را فراهم ساخت. «شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی در فرآیند انقلاب اسلامی و متعاقب آن در کشورهای اسلامی، جنبش فرهنگی دینی است که نسبت به فرسایش هویت و امنیت از خود واکنش نشان می‌دهد و با در نظر گرفتن گونه‌های مختلف از اسلام سیاسی، در صدد ارائه رویکردی ایجابی و سازنده از حکومت دینی است» (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۵). «گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند... و تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند» (عامری گلستانی و قادری، ۱۳۹۱: ۶). از دیدگاه نهج البلاغه، حکمرانی از مهمترین ابزارهای نیل جامعه به کمال و تعالی است، لذا حکومت بخاطر داشتن امکانات مناسب می‌تواند وسیله مناسبی برای نیل به این هدف اصیل باشد. حکمرانی، سازمانی است که قدرت خود را به نمایندگی از مردم دارد، لذا حکمرانان و کیل (و نه قیم و مالک) مردم هستند. ما در این مقاله ضمن بیان تصویر حکومت ایده‌آل عدل الهی از دیدگاه نهج البلاغه، به واکاوی همه جانبه با ویژگی‌های آن به‌عنوان آینده مُرَجَّح، (تعریف شده در آینده‌پژوهی) خواهیم پرداخت.

بیان مسأله

با توجه به پیشرفت شگفت‌انگیز علم، در همه شاخه‌ها، انسان‌ها نمی‌توانند نسبت به آینده خود و زمینه‌سازی برای ایجاد حکومت عدل الهی، بی‌تفاوت باشند. توجه گسترده بشر به علوم ستاره‌شناسی، نجوم و مانند آن برای پیش‌بینی آینده، نشان‌دهنده این دغدغه فکری در



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۴۶

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

جهان اطراف اوست. بنابراین، چگونگی برنامه‌ریزی و کسب تجربه گذشتگان در ترسیم آینده او بسیار مؤثر و حیاتی است. امام علی(ع) می‌فرماید: «پسرم، هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما در کارهاشان نگرسته‌ام و در سرگذشته‌هاشان اندیشیده‌ام و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام» (نامه / ۳۱). آینده‌پژوهی در رابطه با ویژگی‌های حکومت آخرالزمان، با تکیه بر نهج‌البلاغه از اموری است که اولاً: جایگاه آینده‌پژوهی را از دیدگاه نهج‌البلاغه مورد توجه قرار می‌دهد و ثانیاً: می‌توان فهمید که اگر جامعه‌ای نگاه به آینده در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خود نداشته باشد، چه اتفاقاتی آن جامعه را تهدید خواهد کرد و ثالثاً: با این تحقیق به مکانیسمی دست خواهیم یافت که می‌توان برای معضلات جامعه، راه حل مناسبی ارائه نمود.

پیشینه پژوهش

گرچه بنا بر عرف موجود این دانش مربوط به چند دهه پیش و از غرب می‌باشد، ولی با بررسی دقیق تاریخ خواهیم یافت که آینده‌پژوهی قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. «توان پیش‌بینی در همان اوان زندگی، خود رانشان می‌دهد؛ در واقع، به محض درک این مهم از سوی نوزاد که گریه‌اش واکنش دیگران را در پی دارد، توان پیش‌بینی آینده رخ می‌نماید (وندل بل، ۱۳۹۱: ۴۲). اشتیاق بشر برای دانستن آینده در زمینه‌های مختلف و از جمله حکومت‌داری به درازای تاریخ زندگی بشر برمی‌گردد. صرف نظر از سنت و سیره انبیاء الهی و امامان معصوم(ع) در حکومت‌داری، «کتاب جمهور افلاطون آغازگر سنت آرمان شهری(مدینه فاضله) بود که در گسترش مطالعات آینده نقش داشت» (مافی، ۱۳۹۰: ۱۹). در طول تاریخ، بشر برای استیلای بر منابع مختلف و کسب قدرت، در پی یافتن راه‌های چیرگی بر انسان‌ها و جوامع بوده است. مثلاً تافلر با انتشار کتاب موج سوم(۱۹۸۰) بیش از پیش و در ابعادی بی سابقه، توجه جهان را به این رویکردها جلب نمود. وی با انتشار آثاری چون «ورق‌های آینده»، «جابجایی در قدرت»، «جنگ و ضد جنگ» و «آفرینش تمدنی جدید: سیاست در موج سوم» در رأس آینده‌پژوهان و آینده‌شناسانی معاصر غرب جای گرفت و توجه بین‌المللی را به این رویکرد معطوف کرد. دو سازمان پر اعتبار «انجمن آینده دنیا» در سال ۱۹۶۷ در آمریکا و «فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی» در سال ۱۹۷۳ در پاریس تأسیس



شدند که بطور حرفه‌ای در همه عرصه‌های آینده‌پژوهی فعالیت خود را آغاز نمودند. (دارابی، ۱۳۹۵: ۳۷). اما آنچه این مقاله را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند، بررسی آینده حکمرانی مطلوب و مرجح در آینده‌پژوهی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه می‌باشد.

ضرورت و اهمیت مسئله

امروزه تغییرات جهانی در بخش‌های علوم، فن‌آوری و غیره با آهنگی پر شتاب رخ می‌دهد. به دنبال این تغییرات، تحولات روزافزون در جنبه‌های مختلف زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و حکومت‌ها، تمرکز زدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فن-آوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری از عوامل دیگر، لزوم و ضرورت درک بهتر تغییرات و آینده حکمرانی را برای دولت‌ها، کسب و کارها، سازمان‌ها و مردم ایجاد می‌کند. این تحولات و تغییرات، یکی از پدیده‌های عادی در جوامع می‌باشد و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. و این نگاه غامض، پاسخ خردمندان و حکیمان به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست. چنان که تمایل به حس کنجکاوی و نگرانی انسان در باره سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلایل ضرورت آینده‌پژوهی در همه زمینه‌ها و از جمله حکمرانی‌هاست که با دقت در اصول مندرج در قانون اساسی انقلاب اسلامی، با هویت مردم سالاری و مبتنی بر اندیشه دینی پرچم‌دار ایجاد زمینه ظهور منجی عالم بشریت شده است. «انقلاب اسلامی داعیه‌دار به میدان آوردن دین در عرصه اجتماعی بود و مبتنی بر اندیشه دینی، حکومت و مردم‌سالاری دینی را تشکیل داد» (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۵: ۱۱).

تصویر حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی اسلامی از منظر نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در نهج البلاغه به آن پرداخته شده و یک آینده‌پژوه اسلامی باید آنرا مورد تحقیق و بررسی قرار دهد، موضوع حکمرانی و ویژگی‌های یک حکمران ایده‌آل می‌باشد. پاسداشت حقوق مردم در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن، از اهمیت بالایی برخوردار است و اگر حکمرانان نسبت به آن ناآگاه یا بی‌توجه باشند، چون





انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های جهانی اسلام

از امکانات و قدرت حکومتی زیادی برخوردار هستند، می‌تواند منشأ بسیاری از مفاسد و تباهی‌های آینده جوامع و در نتیجه سرایت به کل جهان باشد. هدف آینده‌پژوهی اسلامی در رابطه با حکمرانی خوب، ایجاد آینده متعالی‌ای است که در آن مردمی که مورد استضعاف قرار گرفته‌اند را از قید مستکبران نجات داده و محرومیت و تبعیض را از آنها بردارد. وقتی به آیات، ۵ قصص، ۱۰۵ انبیاء، ۵۱ غافر، ۲۱ مجادله، ۵۵ نور و مانند آن نظر می‌اندازیم، می‌بینیم که خواست و اراده الهی بر آن است که مستضعفان، وارثان زمین در آینده باشند، و مقام امامت و پیشوایی به آنان تعلق گیرد و این در پرتو ایجاد حکومتی است که احکام قرآن را عملی سازد، لذا در اصول ۳، ۱۱، ۱۴ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی بجهت تکریم جایگاه و شأن انسان‌ها اشاراتی به این امر مهم شده و مورد تأکید فراوان امام(ره) و مقام معظم رهبری قرار گرفته است. اگر از دیدگاه قرآن آینده باید اینگونه باشد(چه اینکه در تعریف آینده مُرَجَّح بیان می‌شود)، بنابر این یک آینده‌پژوه اسلامی نمی‌تواند مُنْفک از تحقیق در این زمینه بسیار حیاتی و مهم باشد. «موضوع (کنش حمایت‌گرا نه در دین اسلام در همه زمینه‌ها از جمله حمایت از فقرا و مستضعفان و محرومان) در اسلام نه تنها به عنوان یک اصل انکار نشدنی تلقی شده، بلکه یکی از معیارهای تحقق دین مداری و ایمان شناخته می‌شود»(درخشه و کمالی، ۱۳۹۵، ۵-۴). یکی از شاخصه منحصر به فرد نهج‌البلاغه آن است که گوینده کلمات بلند و نورانی آن به عنوان حاکم جامع الشرایط نظام اسلامی، علاوه بر ارائه دیدگاه متعالی نظری، خود نیز عامل به آن بوده و برای تحقق حکومت اسلامی از نوجوانی در رکاب حضرت رسول اکرم(ص) از هیچ فداکاری دریغ نداشته است. «من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک افکندم و شجاعان دو قبیله معروف ربیع و مضر را درهم شکستم» (خطبه/ ۱۹۲) و تعلیم یافته و بزرگ شده مکتب آن بزرگوار است. «و من همواره با پیامبر(ص) بودم، چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم» (خطبه/ ۱۹۲) و در این راه از ملامت هیچ ملامتگری متأثر نمی‌شد و با یقین و اعتقاد راسخ مسیر حضرت رسول(ص) را دنبال می‌فرمود. «وَ أَتَى لَمِنَ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ» (خطبه/ ۱۹۲). امام علی(ع) کسی است که به تعبیر ابن ابی الحدید معتزلی اگر وی نمی‌بود رسالت حضرت رسول اعظم(ص) به انجام نمی‌رسید. «اگر ابوطالب و فرزندش نبودند، دین(اسلام) هرگز تجسم نمی‌یافت و برپا نمی‌ایستاد او(ابوطالب) در مکه

پناه داد و حمایت کرد و این (امام علی(ع)) در مدینه تا پای جان جنگید» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۴، صص ۸۴-۸۳). تمامی این مبارزات و مجاهدت‌های امیرالمؤمنین علی(ع) برای تحقق آرمان‌های حکومت اسلامی بوده است تا انسان‌ها را از یوغ سرسپردگی به شیاطین و هواهای نفسانی به آزادی و زندگی واقعی راهنمایی کند. «ای اهل ایمان هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما زندگی واقعی می‌بخشد دعوت می‌کنند اجابت کنید» (انفال / ۲۴). فرق دیدگاه امام علی(ع) به حکمرانی (که در زمان حضرت مهدی(عج) ظهور پیدا می‌کند) با هوا پرستان در آن است که وی، حکمرانی را بعنوان وسیله‌ای برای هدف متعالی رساندن بشر به عبودیت خداوند سبحان و تربیت آنها و ایجاد زندگی اجتماعی آرمانی تعریف شده در قرآن و عترت دعوت می‌کند: «خدایا تو میدانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم» (خطبه / ۱۳۱)، در حالی که نگاه دیگر حکمرانان به حکومت رسیدن به منابع ثروت و قدرت و تحکم بر مردم می‌باشد. «لکن از این اندوهناکم که بیخردان و تبهاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند» (نامه / ۶۲). بنابر این نوع رفتار و سیاست‌گذاری‌های حاکمان، شدت متأثر از نوع نگاه آنها به حکمرانی می‌باشد. اگر حاکمان از حکمرانی، تسلط بر منابع و ثروت و دستیابی به قدرت اراده کنند، حاکمیت استبداد و خودکامگی بوجود خواهد آمد، ولی اگر نگاه حاکمان به حکومت، خدمت به مردم و هدایت و ارشاد آنها به آرمان‌های والای الهی باشد هرگز از امکانات به قصد خودکامگی و تسلط بر منابع مالی و استبداد استفاده نخواهند کرد، بلکه حکمران خود را خزانه دار مردم و امانتدار بیت المال می‌بیند. «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکبیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید» (نامه / ۵۱). در نامه ۵ امام علی(ع) به اشعث می‌فرماید: «در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری». حال، این نگاه امام علی(ع) را با آنچه در نگاه غیر علوی از حکمرانی استنباط می‌شود، مقایسه نمایید، که در بدو حکمرانی خود، چک سفید امضاء در تصرف و دخل و خرج بیت المال و دیگر امکانات را می‌طلبند تا اختیارات حکمرانی خود را تا آنجا که ممکن است افزایش دهند ولی از نظر



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية تدراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۵۰

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

امام علی(ع)، حکمران خزانهدار و امانتدار بیت المال است.

گاهی مفهوم حکمرانی بدلیل تبلیغات فریبنده در بین جوامع چنان ترویج داده می شود که از واقعیت خود فرسنگها دور می گردد و مترادف با هنرپیشگی حاکمان در چگونگی تسلط بر جامعه به هر وسیله ممکن تبدیل می شود. (دیدگاه ماکیاولی (یا دیدگاه معاویه) که هدف وسیله را توجیه می کند). «به خدا سوگند معاویه زیرکتر از من نیست لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نمی بود، زیرکتر از من کسی نبود» (خطبه / ۲۰۰). بنابر این حکمرانی در منطق معاویه دعوت جامعه به خود است و لی حکمرانی در منطق امام علی(ع) دعوت مردم به خدا و اجرای احکام الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۵۷-۶۷). این مهم به عنوان یکی از مبانی و پایه های حکمرانی در نهج البلاغه است، که مفهوم جایگاه و ویژگی های حکومت و حاکمان در نهج البلاغه به عنوان آینده مرجح و مطلوب در آینده پژوهی اسلامی باید به درستی تبیین شود.

مفهوم شناسی و جایگاه سیاست و حکومت داری در آینده پژوهی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه

اولین گام تحقیق آینده پژوهان اسلامی در زمینه حکمرانی آن است که سیاست را به عنوان ابزار هدایت، رهبری، تدبیر امور و فراهم ساختن زمینه های اصلاح و ارشاد مردم (و نه عامل فریب و گمراهی آنها) در حکومت ها بدانند. سیاست و حکومت داری آخر الزمان تصویر روشنی از تعاریفی است که امام علی(ع) از آن نشان می دهند. وی، سیاست درست و نیکو را مایه راستی و درستی و برپایی مردم دانسته، می فرماید: «نیکویی سیاست، برپا دارنده مردم است». (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳: ۳۸۴). حکومت حضرت مهدی(عج) مطابق اندیشه امام علی(ع)، به مفهوم قدرت مداری، خودرأیی، تحکم و تجبر نمی باشد، بلکه تدبیر صحیح امور در جهت خدمت به مردم، تحقق عدالت و فراهم کردن زمینه تربیت است. از این رو امام علی(ع) زمامداران و حاکمان قدرت مدار و خودکامه را سیاست مدار و شایسته قرار گرفتن در جایگاه سیاست مردمان نمی داند، لذا در نامه ای به معاویه می فرماید: «معاویه! از کی شما سیاست مداران مردم و سرپرستان کار این امت بوده اید؟ نه پیشینه ای در دین دارید، و نه شرفی مهین از زمان پیشین؛ و پناه به خدا از گرفتاری به شقاوت دیرین...» (نامه / ۱۰). بنابر این از منظر امام علی(ع)، سیاست انسانی به دور از فریبکاری، قدرت مداری، ریاکاری و زورگویی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های جهانی اسلام

است؛ بلکه تدبیر امور با مبانی اخلاقی و رفتار انسانی است، و از آفات نفسانی و مدیریتی به دور بوده و بر اساس خطوط کلی سامان می‌یابد که اهداف آن عبارتند از (۱) آگاهی بخشی سیاسی و غیرسیاسی (خطبه ۳۴ و ۵۱). (۲) پاسداشت آزادی (نامه ۱ و ۵۴ و کلام ۲۰۸). (۳) دادگستری (بخش پایانی خطبه ۳ و نامه ۵۳). (۴) امنیت سازی (نامه ۵۳ «و أشعر قلبک...» و کلام ۴۰ و ۱۳۱ و خطبه ۲۱۶ «فلا تُکلمونی بما تُکلموا به الجابرة...»). (۵) بهبود مادی (نامه ۵۳ «اسبغ علیهم الارزاق...» و خطبه ۳۴ «و توفیر فیئکم...»). (۶) حقوق‌گرایی (خطبه ۲۱۶ و کلام ۲۰۵). (۷) اصلاح فرهنگی (خطبه ۱۰۵ «و الاحیاء للسنّة...» و کلام ۱۶۴ و حکمت ۳۷ و خطبه ۳۲ و ۴۱ و کلام ۲۳۳).

پایه‌های حکمرانی (آخر الزمان) در آینده‌پژوهی اسلامی از نگاه نهج البلاغه

پایه‌های حکمرانی حضرت حجت (عج) در آینده‌پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج البلاغه که مورد تحقیق آینده‌پژوهان اسلامی واقع می‌شود، در یک تقسیم‌بندی کلی بر دو مبنا استوار است.

۱) ماهیت حکمرانی؛ که همان پیمان الهی از علما و فرهیختگان برای برپایی حکومت الهی است. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «و اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگیِ ستمگر و گرسنگیِ ستم‌دیده، هیچ آرام و قرار نگیرند بی تأمل رشته حکومت را از دست می‌گذاشتم» (خطبه/ ۳). «خداوند از آگاهان و فرهیختگان پیمان گرفته است که برای برپایی حق و عدالت برخیزند و این پیمانی فطری است، زیرا فطرت آدمی عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص دارد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: ۱۵۲).

۲) اقبال عمومی مردم؛ که سبب محقق شدن حکومت می‌گردد. «اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند... مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم» (خطبه/ ۳). بنابر این حکمرانیِ احدی جز به خواست مردم محقق نمی‌گردد (البته اینکه خداوند دلها را منقلب می‌کند و مانند آن، امر دیگری است) مگر آنکه بوسیله استبداد و تجبر بر ملتی حکمرانی کرد که پایه‌ای بشدت متزلزل و ناپایدار خواهد داشت زیرا مردم نقش ایجاد، ابقایی و اصلاحی دارند و در آخر الزمان باید مردم به آن بینش و معرفت برسند تا زمینه ظهور محقق گردد و دولت عدالت گستر ایجاد شود. امام علی (ع) پس از آنکه مردم در روز شورا با عثمان بیعت کردند فرمودند: «ما را حقی است، اگر به ما داده



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۵۲

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵



شود، و گرنه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن برانیم هر چند شب روی به طول انجامد» (حکمت / ۲۲). و یا اینکه می‌فرمایند: «اگر حضور مردم نبود» (خطبه / ۳) و یا: «دستم را (برای بیعت) گشودید و من آنرا بستم و به سوی خود کشیدید و من آنرا برگرفتم سپس به من هجوم بردید» (کلام / ۲۲۹) که اشاره به نقش ایجادی مردم دارد. نکته قابل توجه اینکه، در نظام بشری، روابط انسانی و مدیریت بشر بر بشر، کسی مالک و صاحب اختیار کس دیگری نیست چون جنس آن حقوقی و رابطه دو ذی حق است (تمائل حقوقی که در خطبه ۲۱۶ مفصل آمده است) لذا بلافاصله حق و تکلیف ظاهر می‌گردد. حضرت علی(ع) در جنگ صفین به لشکریان خود می‌فرماید: «جز این نیست که ما و شما بندگان و مملوک پروردگاریم و جز او پروردگاری نیست. او مالک ماست و ما را بر نفس خود اختیاری نیست» (خطبه / ۲۱۶). البته نظر اهل تسنن در این رابطه با اعتقادات شیعه (غیر از بند ۵ زیر) تفاوت دارد و آنان معتقد به اصول ششگانه زیر برای تصدی امر خلافت و حکومت‌داری هستند. ۱) تئوری اهل حل و عقد (مثل آنچه در تشکیل سقیفه کردند) ۲) اصل تغلب (همان چیزی را که امام علی(ع) در خطبه‌های ۱۷۲ و ۲۱۷ به آن اشاره می‌نمایند) ۳) اصل استخلاف (که در خطبه ۳ امام(ع) به آن اشاره می‌فرمایند آنجا که ابوبکر قبل از فوتش، خلافت را به عمر تسلیم کرد) ۴) اصل شورا (که در خطبه ۳ امام علی(ع) می‌فرمایند: *فيا لله و للشورى*) ۵) اجماع و ۶) توارث، هستند. (ر.ک. دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، دفتر دوم).

نکته بعدی که آینده‌پژوهان اسلامی در این زمینه به آن می‌پردازند اینکه حق حاکمیت، علی الاطلاق از آن خداوند سبحان است ولی همان خدا، حق حاکمیت و رقم خوردن سرنوشت سیاسی و اجتماعی هر قومی را به خود آنها واگذار کرده است. مانند هدایت و ضلالت که از آن خداست «یهدی من یشاء و یضلل من یشاء» (مدرثر / ۳۱) و مانند آن، خدای متعال گرچه راضی به گمراهی ما نیست «و لا یرضی لعباده الکفر» (زمر / ۷)، در عین حال می‌فرماید: «فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» (کهف / ۲۹). اما حق حکومت و حکمرانی از آن شایستگان و فرهیختگان است و خداوند به همه امر فرموده تا این امانت را به اهلش واگذار کنیم «ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء / ۵۶).

آخرین نکته اینکه، موضوع نبوت و امامت یک جایگاه معنوی و الهی است ولی حکمرانی، امری بشری و دنیایی است که فی نفسه هیچ ارزشی ندارد. در نبوت و امامت مردم نه اختیار

سلب دارند و نه اختیار دادن، ولی در امر حکمرانی، چون از آن مردم می‌باشد لذا می‌توانند از کسی سلب یا به کسی عطا نمایند و این همان امری است که آینده‌پژوهان با بررسی نوع دیدگاه و رویکرد اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی هر جامعه، امکان تحقق حکومت عدل الهی را برای آینده جوامع پیش‌بینی می‌نمایند. اگر به بخش‌های مختلف نهج‌البلاغه و مخصوصاً خطبه ۲ توجه کنیم این موضوع را بیشتر درک خواهد شد. حضرت علی (ع) در این خطبه می‌فرماید: «وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ» (خطبه / ۲). با دقت در موضوع فوق‌الذکر در می‌یابیم که حق ولایت که همان حکمرانی است از آن شایستگان (اهل بیت عصمت و طهارت (ع)) می‌باشد ولی بدلالی که مردم اقبال نکردند محقق نشد. پس از ۲۵ سال خانه نشینی، امام (ع) در ادامه می‌فرماید همانکون حق ولایت به اهلش بازگشت «أَلَا إِنَّ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُتَنَقِّلِهِ» (خطبه / ۲). از اینجا معلوم می‌شود که حق حکومت و حکمرانی یک امری بشری است چون اگر حق حکومت را امر الهی و معنوی بدانیم، (چه اینکه خوارج مبتلای به همین اشتباه شدند - رجوع شود به خطبه ۴۰) دچار خطای بزرگی خواهیم شد زیرا امر معنوی و الهی رفتنی نیست که به خواست مردم برگردد.



شاخصه‌های بشری حکمرانی در آینده‌پژوهی اسلامی از نگاه نهج‌البلاغه

از جمله مسائل بسیار مهمی که مورد ارزیابی آینده‌پژوهان اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج-البلاغه قرار می‌گیرد، اینکه حکمرانی فی حد ذاته، شأن و مقامی بحساب نمی‌آید و تنها وسیله‌ای است که می‌توان با آن احکام و فرامین الهی را اجرا کرد و نظام عادلانه اسلامی را برقرار نمود. حضرت امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه خود در قسمت «حکومت وسیله‌ای است برای تحقق هدفهای عالی» اینگونه می‌فرماید: «عهده دار شدن حکومت (حکمرانی) فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است... پس نفس حاکم شدن و فرمانروایی وسیله‌ای بیش نیست... بعضی از مردم چون دنیا چشمشان را پر کرده خیال می‌کنند که ریاست و حکومت فی نفسه برای ائمه (ع) شأن و مقامی است که اگر برای دیگری ثابت شد دنیا بهم می‌خورد» (موسوی خمینی، بی تا: ۵۹-۶۰). در سال ۳۶ هجری قمری، امام علی (ع) هنگام عزیمت به شهر بصره، جهت جنگ با ناکثین در سرزمین ذی‌قار در حال پینه زدن مبارک‌شان بودند که عبدالله ابن عباس بر وی وارد می‌شود. امام (ع) از او

می‌پرسند: در نظر تو این کفش چقدر ارزش دارد؟ او جواب می‌دهد: قیمتی ندارد. امام(ع) به وی می‌فرماید: «به خدا سوگند همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر آنکه حقی را با آن بر پا دارم یا باطلی را دفع نمایم» (خطبه/۳۳). در بخش پایانی خطبه ۳ امام پس از بیان شرایط قبولی حکمرانی، در ادامه آن می‌فرماید: «آنگاه می‌دیدید که دنیای شما(ناظر به حکمرانی است) نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است».

شاخصه‌های بشری بودن حکمرانی که مورد ارزیابی آینده‌پژوهان اسلامی در رفتارشناسی امام علی(ع) قرار می‌گیرد عبارتند از:

۱) **گذرا و موقتی بودن حکمرانی:** در معرفت‌شناسی، حکومت برخاسته از دولت است که از «دَوْل» به معنای «گردش» گرفته شده است. اگر حکمرانی امر الهی می‌بود قطعاً دست به دست نمی‌گشت در حالی که: «تلك الايام نداولها بين الناس» (آل‌عمران/۱۶۰). در بخشی از نامه ۶۲ امام(ع) می‌فرماید: «سوگند به خدا، نه در فکرم می‌گذشت، و نه در خاطر من آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا(ص) از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن حکمرانی بازدارند. تنها چیزی که نگرانم کرد شتافتن مردم به سوی فلان شخص (ابوبکر) بود که با او بیعت کردند. من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد(ص) را نابود سازند. پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست که (این حکمرانی) کالای چند روزه دنیاست و به زودی ایام آن می‌گذرد چنانکه سراب ناپدید می‌شود یا چونان پاره‌های ابر که زود پراکنده می‌گردد» (نامه/۶۲). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا دین و ارزش‌های انسانی مهمتر است یا حکمرانی؟ با توجه به فراز بالا در می‌یابیم که قطعاً دین و ارزش‌های انسانی در نگاه امام علی(ع) بسیار مهمتر است. در بخش انتهایی این فراز نیز گذرا بودن امر حکومت‌داری را به صراحت بیان می‌فرماید: «إِنَّمَا هِيَ مَتَاعٌ أَيَّامٍ قَلِيلٍ يَزُلُّ مِنْهَا مَا كَانَ ، كَمَا يَزُلُّ السَّرَابُ» (نامه/۶۲).

۲) **تبعیت حکمرانی از اطلاعات و آگاهی‌ها:** حکمرانی در نگاه امام علی(ع) به شدت تابع اطلاعات و آگاهی‌هایی است که باید حکمرانان بدست آورند. به مالک اشتر لذا حضرت می‌فرماید: «فراوان خود را از رعیت خویش پنهان مکن که پنهان شدن و لیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خوئی و کم‌اطلاعی در کارها و پنهان شدن از رعیت، و لیان را از دانستن



آنچه بر آنان پوشیده است باز دارد... و همانا والی بشر است که آنچه را مردم از او پوشیده دارند نداند» (نامه / ۵۳).

۳) خطاپذیری در حکمرانی: شاخصه بعدی بشری بودن حکمرانی در نهج البلاغه خطاپذیری در حکومت است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند» (خطب/ ۲۱۶). در امر حکمرانی، اگر حکمران شخص رسول الله (ص) هم باشد جریان عملکرد خالد ابن ولید اتفاق می‌افتد و یا در جریان برکناری منذر ابن جارود عبدی امام علی (ع) مرقوم می‌دارند: «همانا شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین، و گمان کردم همانند پدرت می‌باشی و راه او را می‌روی» (نامه / ۷۱). در این فراز امام (ع) تعمداً تصریح به خطاپذیری در امر حکمرانی دارند تا به همه این موضوع را آموزش دهند.

۴) محدودیت‌پذیری در حکمرانی: در موضوع حکمرانی (چون جنس آن بشری است) نمی‌توان هرکاری انجام داد زیرا حرکت از قوه به فعل زمان بر است، در حالی که اگر این امر الهی می‌بود، با یک فرمان «کن فیکون» کار انجام می‌پذیرفت. امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورم» (حکمت / ۲۷۲).

۵) مشورت و رایزنی در امر حکمرانی: نیازمندی به مشورت در امر حکمرانی از شاخصه‌های بشری بودن آن می‌باشد. زیرا اگر حکومت الهی می‌بود مشورت کردن معنا نداشت، زیرا با اتصال به عالم غیب، حکمرانی انجام می‌گرفت و دیگر هیچ نیازی به مشورت نبود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید» (خطبه / ۲۱۶).

بررسی ویژگی‌های سلبی و ایجابی حکمرانان در نهج البلاغه

موضوع مهمی که آینده‌پژوهان اسلامی در خصوص حکمرانان و سرنوشت آینده جوامع تحت حکومت آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد، تحقیق پیرامون ویژگی‌های سلبی و ایجابی زمامداران است. از نظر امام علی (ع) کسانی که می‌خواهند امانت سنگین مسئولیت حکمرانی یک جامعه را بپذیرند باید دارای ویژگی‌های سلبی و ایجابی خاص و ممتازی باشند. آینده‌پژوهان در تحقیق و پیش‌بینی برخی از عوامل سقوط و انحطاط آینده جوامع، کافی است



به این موارد سلبی که حضرت علی(ع) در کلام ۱۳۱ در باره حاکمان فرموده‌اند، دقت داشته باشند. «و شما نیک می‌دانید که نه جایز است که بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمانان ولایت یابد و پیشوایی آنان را عهده‌دار شود تا در مال‌های آنان حریص گردد، و نه نادان تا به نادانی خویش مسلمانان را به گمراهی برد، و نه ستمکار تا به ستم، عطای آنان را ببرد، و نه حیف و میل‌کننده اموال، تا به مردمی ببخشد و مردمی را محروم سازد، و نه آنکه بخاطر حکم کردن رشوه ستاند تا حقوق را پایمال کند، و آنرا چنانچه باید نرساند، و نه آنکه سنت را ضایع سازد و امت را به هلاکت در اندازد» (کلام/ ۱۳۱). با دقت در فرازهای فوق امام علی(ع) ترسیم دقیقی از برخی ویژگی‌های سلبی حکمرانان رایادآور می‌شوند. رذائل اخلاقی مانند حرص، رشوه، بخل، خردگریزی، افراط و تفریط در امور، خود بزرگبینی، عدم مشورت با خردمندان و استبداد رأی و مانند آن، ریشه در دنیا طلبی دارد چنانچه امام علی(ع) (به نقل از حضرت رسول اعظم(ص)) می‌فرمایند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» ۴۱ (ابو الحسن ابن علی الحرائی، ۱۳۹۲، ج ۱۵)؛ لذا در بخش‌های مختلف نهج‌البلاغه تنفر شدید خود را از دلدادگی به دنیا اعلام می‌دارند. «از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا نافرمانی خدا نکنند و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید» (حکمت/ ۳۸۵). و یا در نامه ۴۵ امام دوری جستن از دنیا را بطور کامل تشریح می‌فرمایند.

در برابر ویژگی‌های سلبی یاد شده خصوصیات ایجابی حکمرانان که سبب پیشرفت و ارتقاء آینده جوامع می‌شوند عبارت است از: ۱) چون حکمرانی جایگاه قدرت است، اگر حاکمان دارای تقوای الهی نباشند به شدت تحت وسوسه‌های نفسانی و شیطانی قرار خواهند گرفت، لذا بیشترین تأکید امام علی(ع) در نهج‌البلاغه بر این امر واقع شده است. «و او را فرمان داد که نفس خویش را از پیروی شهوت‌ها مهار سازد و در هنگام سرکشی‌ها آن را بازدارد، زیرا نفس فرمان دهنده به بدی است مگر آنکه خدا رحم نماید» (نامه/ ۵۳). ۲) حکمران باید یک انسان خردمند و مدیر و مدبر باشد، تا بتواند به خوبی از پس مسائل جامعه برآمده تصمیمات درستی اتخاذ نماید تا علاوه بر پیشرفت جامعه، حقوق آحاد مردم نیز پاسداشته شود. «و عقلی چون دور اندیشی و تدبیر نیست» (حکمت/ ۱۱۳). ۳) حکمران باید دارای بصیرت و شناخت و آگاهی کافی برای رتق و فتق امور باشد تا جامعه را با جهل و نادانی به انحطاط و ضلالت سوق ندهد. «سزاوارترین مردمان به خلافت قوی‌ترین آنان



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية تدراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۵۸

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

بدان و داناترین‌شان به فرامین خداوند است» (خطبه/ ۱۷۳). ۴) یکی دیگر از شروط بنیادی حکمرانی در نهج‌البلاغه داشتن عدالت است. ویران‌کننده‌ترین و خانمان‌سوزترین چیزی که ممکن است شالوده یک نظام و جامعه را از هم بپاشاند، ظلم و بی‌عدالتی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «بدان که برترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است عادل، هدایت‌شده و راهبر، که سنتی را که شناخته است برپا دارد، و بدعتی را که ناشناخته است بمیراند. سنت‌ها روشن است و نشانه‌هایش هوید است، و بدعت‌ها آشکارا است و نشانه‌هایش برپاست. و بدترین مردمان نزد خدا پیشوایی است ستمگر، خود گمراه و موجب گمراهی دیگران، که سنت پذیرفته را بمیراند، و بدعت و اگذارده را زنده گرداند» (کلام/ ۱۶۴). ابن هلال ثقفی روایت می‌کند: «بزرگان کوفه گرچه در ظاهر خود را طرفدار امام وانمود می‌کردند ولی بخاطر توزیع عادلانه امکانات توسط امام (ع) با وی خصومت داشتند، در حالی که معاویه برای هر کدام از بزرگان و اشراف دو هزار دینار قرار داده بود» (ابن هلال ثقفی، ۱۴۰۷: ۲۹). ۵) شرط بعدی حکمرانی داشتن سعه صدر در امور مدیریتی و صبر و بردباری در برابر مشکلات و توانایی حفظ حقوق مدنی و پاسداری از قوانین و مقررات می‌باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «بر سر هر یک از کارهای مهتری از آنان بگمار که نه بزرگی کار او را ناتوان سازد و نه بسیاری آن وی را پریشان نماید» (نامه/ ۵۳) و نیز می‌فرماید: «ای مردم سزاوارترین اشخاص برای حکومت کسی است که بدان توانا تر باشد» (خطبه/ ۱۷۳). ۶) حکمرانان باید دارای روحیه ساده زیستی و دوری از اشرافی‌گری باشند تا مردم ناتوان با دیدن سلوک رفتاری آنان پریشان حال نشوند و او را همانند خود ببینند. امام علی (ع) در نامه ۴۵، عثمان ابن حنیف را بخاطر رفتن به میهمانی یکی از ثروتمندان بصره، بشدت ملامت می‌کنند تا درس عبرتی در سراسر تاریخ برای تمامی کارگزاران و حکمرانان باشد. در بخش پایانی کلام ۲۰۹ نیز می‌فرماید: «خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند» (کلام/ ۲۰۹). ۷) شرط بعدی حکمرانی در نهج‌البلاغه داشتن روحیه مردم‌داری و حفظ کرامت آنان و عدم احتیاج والی از مردم می‌باشد. امام علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا که دور از چشم مردم در سراپرده بمانی که غیبت حکمرانان از ملت، منشأ کم‌آگاهی از جریانهای کشور باشد» (نامه/ ۵۱). و یا رفتار امام (ع) در برخورد با استقبال مردم انبار در حکمت ۳۷ نشانه توجه ویژه امام (ع) به حفظ کرامت مردم و عدم ایجاد



روحیه خود بزرگ بینی در بین حکمرانان است. ۸) شرط ایجابی دیگر حکمرانان در پرتو نهج البلاغه، داشتن صداقت و صراحت با مردم است. معمولاً حکمرانان از صداقت گریزانند ولی از نظر امام علی (ع) داشتن صداقت و راستگویی از ارکان مهم یک حکمران بحساب می آید. «آنان زمامداران حق و یقین و پیشوایان دین اند و با گفتار راست قرین اند» (خطبه / ۸۷). خود حضرت در زمانی که به خلافت رسیدند فرمودند: «پیمان من بدانچه می گویم در گرو است و به درستی گفتارم متعهد و پایبندم... به خدا سوگند به اندازه سر سوزنی را پنهان ندارم و هیچ نوع دروغی نگویم» (خطبه / ۱۶). بنابر این در منطق امام علی (ع) هیچ امری از امور حکومتی بجز اسرار نظامی و امنیتی، نباید از مردم پنهان داشته شود. «بدانید حق شما در نزد من آن است که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ (که از پوشاندن آن ناچارم)» (نامه / ۵۱). و در یک کلام، نتیجه می گیریم که، حکمرانان باید دارای صبغه الهی باشند، که اتم آنها در پیامبران (ص) و امامان (ع) می توان دید، لذا مردم را باید ترغیب به پیروی از آنان کرد تا سعادت مند شوند. افلاطون در مقدمه کتاب چهارم جمهور خود پس از بیان ویژگی های چهارگانه افراد و جامعه بشری در شهر آرمانی خود به نقل از ارسطو، اشاره ای به خصوصیات و وظائف زمامداران نیز دارد (افلاطون، ۱۳۶۸ش: ۲۲۷-۲۳۸) و در ادامه می گوید: « باید آنان (مردم- کارگران و پیشه‌وران) را وادار کنیم که از هر حیث مطیع انسان شریف (منظور حکمران) شوند زیرا نیروی الهی بر نفس وی حکومت می کند».

حکمرانی صالحان در آینده پژوهی اسلامی

نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان الهی دارای آموزه‌ها و گزاره‌هایی بودند که با آینده بشریت ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۶۰۲). در نتیجه با نگاه به طول تاریخ زندگی بشری، می توان انگیزه‌های اندیشیدن انسان در باره آینده را به دو عامل مهم نسبت داد. ۱) عقل به عنوان عامل درونی (حجت باطنی) و ۲) تعالیم انبیای الهی، به ویژه تعالیم قرآن و اهل بیت (ع) به عنوان عامل بیرونی (حجت ظاهری). امام جعفر صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت (آینده مطلوب) می رود». (مصطفوی، بی تا، ج ۱: ۱۲). در زمان غیبت علما و صالحان به عنوان امینان وحی الهی و مقدمه‌چینان ظهور حضرت حجت (عج) باید زمینه تحقق آن انقلاب بزرگ الهی

را فراهم سازند، لذا توجه به نایبان امام زمان(ع) در دوره غیبت از مسائل مهم در تحقیق آینده پژوهی اسلامی بحساب می آید. «مسئله نیابت امام زمان(عج) در زمان غیبت مسأله اصلی برای شیعیان است که آثار سیاسی و اجتماعی فراوان داشته است... سابقه نیابت در تشیع، خود ریشه تاریخی دارد و حتی از زمان خود امامان شیعه آغاز شده است» (موثقی و اعتمادی فر، ۱۳۹۲: ۶). خاستگاه نگاه به آینده در اسلام، صرفاً حفظ بقا و کسب رفاه مادی نیست، بلکه با هدایت وحی، سعی در تعالی و تکامل به قرب الهی و جانشینی خدا دارد. یعنی انسان با تعالیم وحی، خود را نیازمند آینده نگری در دو بُعد جسمانی و روحانی می یابد. در برخی از آیات قرآن مجید و بخش هایی از نهج البلاغه می توان نوید آینده حکمرانی صالحان بر جوامع بشری را مشاهده کرد. این ویژگی ها که کامل ترین آنرا در جامعه مهدوی می توان دید، دقیقاً همان خصوصیتی است که در جامعه علوی به استناد نهج البلاغه (در بخش های فوق اشاره کردیم)، می باشند. برخی از این آیات که نوید حکمرانی نیکان بر عالم و گسترش عدل، قسط، امنیت، رفاه، آزادی واقعی و در یک کلام داشتن یک زندگی ایده آل و آبرومندانه، در آینده بشارت داده شده به قرار زیر است. «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم شان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند» (نور/ ۵۵). در آیات ۳۳ توبه و ۲۸ فتح و ۹ صف، خداوند سبحان عبودیت خود را در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی، بر اساس برنامه ریزی و در چارچوب اصل اختیار قرار داده است که انسان ها از آن بهره مند می باشند. این آیات کریمه، به آینده جوامع انسانی بر اساس خوش بینی به جریان نظام جهان و طرد هرگونه بدبینی در باره پایان کار بشر تاکید ورزیده است. در آیه ۳ مائده بیان می کند که دین با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف در کامل ترین شکل خود به بشر عرضه شده و بندگان شایسته خداوند سبحان، وارثان آینده زمین خواهند شد. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵). بنابر این دین مبین اسلام نویدبخش آینده سعادت مند برای بشریت و حکمرانی صالحان و نیکوکاران است «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» (مجادله/ ۲۱) و «وَأَنْتُمْ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّعَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَوْلِيَاءَ» (قصص/ ۵).



(مشابه این آیات بسیار فراوان است مانند: آیات شریفه ۵۱ غافر و ۳۳ توبه و ۸ صف و ۱۷۲ و ۱۷۳ صافات و ۱۸ انبیاء و ۴ روم و غیره). ابو امامه باهلی از رسول خدا(ص) نقل می‌کند: «در آن زمان سلطنت کفار گرفته خواهد شد و سلطنتی برای غیر از اسلام نیست، زمین چون سفره نقره می‌شود» (سیدابن طاووس، ۱۳۸۱، ص ۶۸). شهید مطهری در مجموعه آثارشان دارند: «هدف از بعثت انبیا گسترش توحید نظری و عملی فردی و اجتماعی است» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۱۷۷-۱۷۹). ایده حکمرانی آینده اولیاء و مصلحان الهی در مقیاس جهانی، بزرگ‌ترین ره‌آوردی است که در آیه شریفه ۴۱ حج آمده است «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». بنابر این محققان آینده‌پژوه اسلامی در حکمرانی مصلحان، سه موضوع را در نظر خواهند داشت؛ اولاً: اهتمام به معنویت و عبودیت خداوند سبحان در چنین نظامی تقویت می‌گردد، ثانیاً: برای رفع نیازمندی‌های مادی و اقتصادی مردم تلاش خواهد شد و ثالثاً: نظارت سخت و مؤکد بر عدم انحراف عقاید و اخلاق مردم مورد توجه واقع خواهد شد؛ زیرا بصیرت مردم در آن زمان، مانند پیروان واقعی حضرت رسول(ص) متعالی می‌گردد «حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ» (خطبه/ ۱۵۰). آینده حکمرانی(جامعه مهدوی) در پرتو نهج‌البلاغه تصویر تمام عیار سیره و سنت نبوی و علوی است که بر خود سخت‌گیر بودند و لباس خشن می‌پوشیدند، اما با مردم بسیار مهربان هستند. در بخشی از خطبه ۱۵۰ نهج‌البلاغه امام علی(ع) می‌فرمایند: «بدانید آن کس از ما(حضرت مهدی «عج») که فتنه‌های آینده را دریابد با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر اعظم(ص) و امامان(ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد. جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی(ع) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آنچنان‌که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند، دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد و در گوشه‌هایشان تفسیر قرآن طنین افکند و در صبح‌گاهان و شام‌گاهان جام‌های حکمت سرکشند» (خطبه/ ۱۵۰). همانگونه که ملاحظه می‌شود، آینده جهان در پرتو نهج‌البلاغه بسیار مثبت، روشن و متکامل است، درست بر خلاف نظریه پردازانی که آینده را وحشت‌زا و تاریک معرفی می‌کنند. در بخش دیگری،



امام(ع) در وصف آینده حکمرانی(حضرت حجت «عج») اینگونه می‌فرماید: «زره دانش بر تن دارد و با تمامی آداب و با توجه و معرفت کامل آن را فرا گرفته است. حکمت، گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد و نیاز اوست که در بدست آوردنش می‌پرسد. در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دُم خود را به حرکت درآورد، گردن به زمین می‌چسباند(ضرب المثلی که نشانه، ضعف و درماندگی است) او پنهان خواهد شد(دوران غیبت) و او باقیمانده حجّت‌های الهی و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است»(خطبه/ ۱۸۲).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۶۲

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

نتیجه

بر اساس ویژگی‌ها و ابعادی که از مدینه فاضله آخر الزمان بیان شد، تصویر واضحی به عنوان الگو و چراغ راه برای اداره جوامع جهت رسیدن به زمان ظهور حضرت حجت (عج) ارائه گردید. در این راستا، ویژگی حاکمان و حکومت و آینده حکمرانی مطلوب و مرجح (تعریفی آینده‌پژوهی) را در پرتو نهج‌البلاغه مورد ارزیابی قرار دادیم. آینده‌پژوهان در تحقیقات خود نمونه‌اتم و کامل حکمرانی در مدینه فاضله را در زمان حضرت حجت (عج) که بر سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) می‌باشد را جستجو می‌نمایند. در یک جمع‌بندی، برخی از این خصوصیات عبارتند از: (۱) گسترش جهانی عدالت (۲) زنده کردن اسلام (۳) برپایی تمدن اسلامی (۴) کشف تمام سطوح علم (۵) رفاه عمومی (۶) پیشرفت علوم طبیعی و وسایل زندگی (۷) امنیت در سراسر دنیا (۸) سختگیری با مسئولین (۹) مهربانی با مردم (۱۰) سادگی و عدم تجمل‌گرایی. که این جریانات فوق‌الذکر در چند گام بوقوع می‌پیوندد. اولاً: همه قوانین تعطیل شده در همه عرصه‌های زندگی مردم و نشانه‌ها و آیات محو شده خداوند سبحان از اصول اسلامی، توسط حکمرانی که تمامی ویژگیهای حاکم الهی را داراست، مجدداً احیا و باز گردانده می‌شوند. ثانیاً: اصلاح اساسی و زیربنایی در تمامی عرصه‌های جوامع بشری بگونه‌ای می‌شود که همه علائم آن در نظر هر بیننده‌ای هویدا و آشکار خواهد شد و ثالثاً: بندگان مظلوم خدا از شرّ ظالمان امان یافته، دست‌تاول ستمکاران از سر ستمدیدگان کوتاه خواهد. انشاءالله تعالی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های جهانی اسلام

۱۶۳

ویژگی‌های حکومت آخر الزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت ...

منابع

آجیلی، هادی و بیکی، مهدی (۱۳۹۵). «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین تونس»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار.

ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). «پیامبران و تمدن آینده بشر»، شماره ۲، (پیاپی ۶۰۲)، نشریه مکتب اسلام، اردیبهشت.

ابن ابی‌الحدید معتزلی، عز‌الدین عبد‌الحمید ابن‌هبه الله (۱۳۷۸ ه.ق). شرح نهج‌البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۴.

ابو اسحاق ابراهیم ابن محمد الکوفی المعروف بابن هلال الثقفی (ف ۲۸۳ ق) (۱۴۰۷ ق). الغارات، حقه و علقه علیه السيد عبدالزهره الحسینی الخطیب، الطبعة الاولى، بیروت: دار الأضواء.

ابو محمد الحسن ابن علی ابن الحسین ابن شعبه الحرانی (۱۳۹۴ ه.ق). تحف العقول عن آل الرسول، قم: مکتبه بصیرتی، ج ۱۵.

افلاطون (۱۳۶۸). جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جمال‌الدین محمد خوانساری (ف ۱۱۲۵ ق) (۱۳۶۰). شرح غرر الحکم و درر الکلام، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). ولایت فقیه، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

دارابی، علی (۱۳۹۵). آینده پژوهی انقلاب اسلامی - بیم‌ها و امیدها، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

درخشه، جلال و کمالی، علی (۱۳۹۵). «بازنمایی کنش حمایت‌گرا» در آینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار.

دهشیری، محمدرضا و مقامی اسماعیل، زمستان ۱۳۹۴، بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۴.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۱، سیره نبوی، تهران: انتشارات دریا، دفتر دوم سیره اجتماعی سید ابن طاووس (۱۳۸۱). الملاحم و القتن، ترجمه محمد جواد نجفی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلامیه.

عامری گلستانی، حامد و قادری، نفیسه سادات (۱۳۹۱). «نگاهی گفتمانی به اسلام هراسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.

مافی، فرزانه (۱۳۹۰). پژوهشی در حوزه آینده پژوهی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مصطفوی خراسانی، جواد (بی‌تا). ترجمه و شرح اصول کافی، تهران: انتشارات قائم.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار، به نقل از آینده بشریت از دیدگاه شهید مطهری، سید سعید حسینی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۲). طلب و اراده، ترجمه و شرح احمد فهری، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۶۴

سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵

علمی و فرهنگی.

موسوی خمینی، روح الله (بی تا). ولایت فقیه و جهاد/کبر، تهران: انتشارات محمد.
موتقی، سید احمد و اعتمادی فر، امین (۱۳۹۲). «زمینه‌های اجتماعی اسلام‌گرایان ایران و بسا اسلام‌گرایی
ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، زمستان.
وندل بل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، چاپ اول، تهران: مؤسسه
آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، بهار.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۷

به این مقاله این گونه استناد کنید:

امین ناجی، محمد هادی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ محتشمی، احمد (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های حکومت آخر الزمان
به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج البلاغه» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی
جهان اسلام، س ۶، ش ۳، پاییز ۹۵، صص ۱۶۵-۱۴۵.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۶۵

ویژگی‌های حکومت آخر الزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت ...